

دریچه

نگاهی به سریال «دل»

اجرای خوش رنگ‌و لعاب فیلم‌نامه ضعیف

● **محسن جعفری‌راد**: منوچهر هادی به گواه فیلم‌های پرفروشی که ساخته (من سالوادور نیستم، آینه‌بغل) و سریال عاشقانه‌ا که در زمان خودش جزء پربیننده‌ها شد، در چند سال اخیر نشان داده که نیاز مخاطب عام را برای سرگرمی به‌خوبی می‌شناسد؛ چه مدیوم سینما، چه مدیوم سریال تلویزیونی. در انتخاب بازیگران و ترکیب آنها، نهایت دقت را می‌کند تا ویتربنی جذاب از بازیگری داشته باشد و در اغلب کارهایش از چهره‌ها و استارها استفاده می‌کند. در کارگردانی هم سعی می‌کند دکوپاژ و میزانسن ساده و صمیمی طراحی کند تا همدلی مخاطب را برانگیزد. نمونه‌اش همین سریال «دل» که کمتر میزانسن خاص و پیچیده‌ای را شاهدیم و بیشتر در قالب گفت‌وگو، داستان پیش می‌رود. از لحاظ اجرا، هادی موفق است؛ اما از لحاظ فیلم‌نامه و داستان‌گویی؛ چه در فیلم‌های کم‌دلی‌اش و چه در همین سریال «دل»، کمتر می‌تواند فضاهای و موقعیت‌هایی خلق کند که باعث پیش‌رفتن درام شود. چه در گره‌افکنی، چه در نقاط عطف و کنشکمش و چه در گره‌گشایی، هادی و نویسندگانش بیشتر سعی می‌کنند که به سبک ساده‌ای داستان تعریف کنند؛ یعنی به شیوه‌ای که صرفاً مخاطب را مجذوب فضاهای شیک طبقه مرفه کرده باشند؛ چون طبعاً خانه‌های اشرافی و روابط میان چنین خانواده‌هایی برای مخاطب می‌تواند کنج‌گاوِ برانگیز باشد؛ اما مشکل اینجاست که مخاطب ابتدا باید خط داستانی مشخصی برای دنبال‌کردن داشته باشد تا بتواند با چنین فضاهایی همراه شود. اینکه مجذوب چهره‌ها شود، صرفاً یکی، دو قسمت جواب می‌دهد و از قسمت‌های بعدی، دنبال تعریف قصه هستند؛ چیزی که فقدان آن باعث

پس‌زدگی مخاطب سریال «دل» می‌شود. گویی که تماشاگر در هر قسمت فقط چهره‌ها و آشتی‌ها و گفت‌وگوهای سطحی و کش‌دار شخصیت‌ها را می‌بیند و لایه‌ای به لایه درام اضافه نمی‌شود! به‌عنوان مثال چند قسمت نخست سریال دل، فقط صرف معرفی آدم‌ها می‌شود که حتی به شخصیت هم بدل نمی‌شوند و فقط تیپ هستند؛ یعنی شناسنامه ملموسی ندارند که پیگیری رفتارشان برای مخاطب جذاب باشد. پس از نظر شخصیت‌پردازی و روابط میان شخصیت‌ها این سریال حرف چندانی برای گفتن ندارد.

ضعف دیگر به ریتم و ضرباهنگ سریال مربوط می‌شود. حتی یک مخاطب معمولی هم برایش جای سؤال می‌شود که چه‌طور ۱۰ قسمت از یک سریال باید بگذرد و ما شاهد درام پرفرازوونشیم در سریالی نباشیم که برایش هزینه هم می‌کنیم! مثال بارزش اینکه در داستان اصلی، عروس یعنی رستا با بازی ساره بیات، شب عروسی غییش می‌زند و ۱۰ قسمت طول می‌کشد تا مخاطب بفهمد چرا غییش زده و ۲۵ قسمت طول می‌کشد تا این عروس مک‌کم شروع کند به گفتن حقیقت! خب طبیعی است که مخاطب از این‌همه کش‌دارشدن روایت دلزده شود. شاهدش انواع و اقسام نظرات شفاهی و مکتوبی است که درباره این سریال شاهدیم. خیلی ساده و به کمک ایجاز در روایت می‌شد از کلیت سریال کاست و به کیفیت آن افزود؛ مثلاً خیمت از شخصیت‌ها و به موقعیت‌ها به‌راحتی قابل حذف هستند؛ اما ازآنجایی‌که قرار بود قسمت‌های سریال زیاد شود، هم شخصیت‌های اضافی وجود دارند که مدام داستان را کش‌دار می‌کنند. بدتر اینکه هر قسمت با یک کلیپ هم روبه‌رو هستیم که ضرورت و کارکردی معنایی نمی‌توان برای آن متصور شد؛ به‌این‌ترتیب نماهای شیک و کارت‌پستالی، شخصیت‌های مرفه و خوش‌پوش و خانه‌های رؤیایی، مهم‌ترین خاصیت سریال «دل» می‌شود؛ نه داستانی که اتفاقاً پتانسیل بالایی برای پرداخت به آن وجود داشت. تجاوزه به رستا، به لحاظ جامعه‌شناختی و روان‌شناختی می‌توانست تبدیل به موقعیتی شود که برگ برنده سریال باشد؛ اما برعکس صرفاً بهانه‌ای است برای اطباب در روایت! بنابراین هر چقدر که سریال «دل» به لحاظ بصری و شنیداری، خوش رنگ‌و لعاب است، از لحاظ فیلم‌نامه و قصه‌گویی حفره‌های فراوانی دارد که به‌راحتی پرشدنی نیستند.



«کشتارگاه» حکایت جوانی به نام امیر (با بازی امیرحسین فتحنی) از طبقه پایین اجتماعی است که به‌تازگی از فرانسه دیپورت شده و به ایران بازگشته است. او برای فرد ثروت‌مندی (با بازی مانی حقیقی) که دلال دلار و گوشت است، کار می‌کند. قتلی در این فیلم اتفاق می‌افتد که پیرنگ اصلی داستان حول آن شکل می‌گیرد. فیلم در لایه ظاهری و رویی خود داستان گره‌گشایی از ماجرای قتل را پیش می‌برد؛ اما در لایه پنهان‌تر و غیرمستقیم‌تر آن، به تقابل‌ها و نحوه ارتباط دو طبقه بالا و پایین اجتماعی و اقتصادی با یکدیگر نیز می‌پردازد.

طبقه پایین در فیلم چندین نماینده دارد؛ یک، یک کشتارگاه کار می‌کنند و دوم، خانواده‌مقتول (با محوریت شخصیتی با بازی باران کوثری) که اهل آبادان هستند و برای کشف ماجرای قتل به تهران آمده‌اند؛ اما طبقه بالا فقط یک نماینده دارد و آن شخصیتی با بازی مانی حقیقی است که به‌نوعی کارفرمای همه این افراد محسوب می‌شود. فیلم به‌خوبی رابطه این دو طبقه را با هم نشان می‌دهد. طبقه پایین که در میدان عمل است و به‌خاطر پول کارها را برای طبقه بالا انجام می‌دهد، در معرض خطر است و عامل اجرای اهداف طبقه بالاست. همچنین درگیرِی‌ها، نگرانی‌ها و ترس‌ها متوجه اوست. طبقه بالا پشت‌پرده است، عامل اصلی بوده و در وسط میدان غایب است؛ اما همه چیز را شکل و سامان می‌دهد. طبقه پایین در حقیقت

ابزار کار او و وسیله رسیدن به اهدافش است.

از این زاویه نگاه، فیلم بیش از هر چیز یادآور دیدگاه‌های طبقاتی و مارکسیستی است. طبقه کارگری که تحت انقیاد طبقه بورژوا یا سرمایه‌دار است، برای او کار می‌کند و در جرمه‌ها و زودبندی‌های او شریک است؛ اما سهم بسیار کمی از سرمایه و ثروت را به دست می‌آورد. این طلب حق و طغیان در حین روایت یک داستان، تضادهای طبقاتی را در جامعه ایران امروز نشان می‌دهد. از دل این تضاد چیزی جز قتل و ویرانی بی‌رون نمی‌آید. طبقه پایینی که همدست جنایات طبقه بالاست؛

نگاهی به فیلم «کشتارگاه»؛ کنش فعال شخصیت زن

زهرا اردکانی . دانشجوی دکتری ارتباطات



اما خود نیز به‌نوعی قربانی است. تا اینجا فیلم مانند برخی فیلم‌های دیگر سینمای ایران است که به تفاوت‌ها و تضادهای طبقاتی در جامعه کاری که تحت انقیاد طبقه بورژوا یا سرمایه‌دار است، برای او کار می‌کند و در جرمه‌ها و زودبندی‌های او شریک است؛ اما سهم بسیار کمی از سرمایه و ثروت را به دست می‌آورد. این طلب حق و طغیان در شکل خون‌خواهی که خانواده مقتول و به‌طور خاص دختر او (با بازی باران کوثری) دارد، خودش را در فیلم نشان می‌هد. داستان‌های فرعی مانند داستان مربوط به معاملات دلار، همکاری‌های

نگاهی به موسیقی ۲



در دوران هخامنشیان به فرماندار یا استاندار یکی از بخش‌های شاهنشاهی گفته می‌شد) قرار دادند. به‌هیجان‌آوردن سربازان و بالا بردن روحیه شجاعت در آنان و همچنین در مراسم شکار یا جشن‌های گوناگون و بخشش مناصب یا پذیرفتن سفیران و به‌ویژه در جشن‌های مردم مانند مراسم عروسی و… با ورزش‌های جمعی مانند چوگان‌بازی، رامشگران انجام وظیفه می‌کردند. سازهای دوره هخامنشی عبارت بودند از: عود، چنگ‌ساز، سرنا، دهل، نوعی ارغنون، ریغانه و در موسیقی نظامی، شیپور، دوتای، دهل و نوعی طبل بوده است. در دوره ساسانیان، موسیقی بیش‌ازپیش مورد توجه دربار و طبقات ممتاز قرار گرفت؛ به‌طوری‌که در دوره اردشیر بابکان که مردم به طبقات گوناگون تقسیم شدند، رامشگران را در طبقه خاصی در کنار ساتراپ‌ها

(در دوران هخامنشیان به فرماندار یا استاندار یکی از بخش‌های شاهنشاهی گفته می‌شد) قرار دادند. هنرمندانی مانند باربد، نکبسا، بامشاد، رامتین و سرکش (سرکس) در قلمرو موسیقی، شهرت فراوانی کسب کردند. مطربان و رامشگران پشت پرده می‌نشدند و به اشاره «خرم‌باش» که مقام پرده‌برداری داشت، هنرنمایی می‌کردند. بنا بر گزارش‌های تاریخی، بهرام گور و خسروپرویز بیشتر از دیگر سلاطین ساسانی به رامشگران و موسیقی‌دانان توجه داشتند. روایات موجود اختراع دستگاه‌های موسیقی ایران را به باربد نسبت می‌دهند. اگرچه این مقامات پیش از باربد هم وجود داشته، جای تردید نیست که این آهنگ‌ساز بزرگ، تأثیر بسزایی در موسیقی عرب و ایران و پس از اسلام داشته است و می‌توان گفت که در ممالک شرق

هنر

شخصیت امیر با مانی حقیقی همگی آگاهی‌های جدیدی را درباره این مناسبات طبقاتی برای امیر و باران کوثری به وجود می‌آورد و سکانس پایانی فیلم در حقیقت نمایشی از طغیان آگاهانه طبقه پایین به طبقه بالا است. از نکات مثبت و تأمل‌برانگیز فیلم این است که این آگاهی و طغیان از سوی تنها شخصیت زن فیلم اتفاق می‌افتد؛ دختر جنوبی که در فیلم حضور دارد، کسی است که پدرش را در حین این تقابل طبقاتی از دست داده است. گریم خوب روی چهره باران کوثری، ستم‌دیدگی جنسیتی، طبقه‌ای و حتی قومیتی را به‌روشنی نمایندگی می‌کند؛ اما او زنی قوی و عصیانگر است. با اصرار و شجاعت برای به‌دستاوردن آگاهی تلاش می‌کند؛ بنابراین او به حضور و نقش طبقه بالا در مصیبت‌های زندگی‌اش آگاه است. پس از آگاهی، منفعل نیز نیست؛ او دست به عمل می‌زند، عصیان می‌کند و از طبقه بالا که او و خانواده‌اش را قربانی منافع خود کرده است، انتقام می‌گیرد. کشتارگاه برخلاف بسیاری از فیلم‌های ایرانی که زنان را منفعل و در حاشیه نشان می‌دهند، زن قدرتمندی را به تصویر می‌کشد که نقشی محوری در پیشبرد داستان دارد. فیلم نوعی آگاهی از مناسبات موجود اجتماعی را به مخاطب نشان می‌دهد و تلاش‌ی را که گروه ستم‌دیده برای راهی‌ای از ظلمی که به او شده، بازنمایی می‌کند؛ بنابراین کشتارگاه از این نظر که نوعی آگاهی اجتماعی و کنشگربودن را مطرح می‌کند، فیلم درخور توجهی است.

او با اشاره به شیوع ویروس کرونا و خانه‌مانی بسیاری از نوجوانان، هدف این دوره‌ها را رساندن محتوای مناسب آموزشی به نوجوانان سراسر کشور می‌داند تا بتوانند استعدادهای خود را بشناسند یا به شکل اولیه

با حوزه مورد علاقه خود روبه‌رو شوند. ضابطیان مزیت برگزاری این دوره‌ها را آنلاین و همچنین رایگان‌بودن آن عنوان و اضافه می‌کند: «برای من بسیار خوشحال‌کننده است که نوجوانی در یک روستای محروم و دورافتاده که امکان تجربه حضوری چنین دوره‌هایی را ندارد، از این طریق می‌تواند به چنین آموزش‌هایی دست پیدا کند و غایت آرزوی من این است که سال‌ها بعد یک نفر بگوید تجربه تماشای دوره شما در مدرسه تابستانی سال ۱۳۹۹ باعث شد مسیر زندگی من تغییر کند.

مهتاب نصیریور که مدرس کارگاه نمایش است، درباره تجربه خود می‌گوید: «تجربه جالبی بود. برخلاف آنچه بنده در کارگاه‌های بازیگری خود برای هنرجویان می‌گویم و تجربه تدریس در مدرسه تابستانی، چون جلوی دوربین قرار گرفته بودم و مباحث به صورت منقطع ضبط می‌شد، شبیه یک تجربه سینمایی بود.»

به گفته این‌س مدرس بازیگری، هنرهای نمایشی جزء هنرهای جمعی است و برخلاف هنرهایی مانند قصه‌نویسی یا نوازندگی چندان نمی‌شود به صورت آنلاین آموخت؛ چون باید شما در کارگاه و در تعامل با دیگر هنرجویان و استاد تمرین کنید؛ اما هدف ما از این دوره آشنایی نوجوانان با اصول پایه‌ای بازیگری نمایش است.

نصیریور درباره تجربه تدریس برای گروه سنی نوجوان هم می‌گوید: «کار با آنها بسیار سخت است؛ چون در ابتدای راه هستند و درباره مسائل حساس و شکننده و نحوه تدریس به آنها درمقایسه با بزرگسالان کاملاً متفاوت است؛ اما از طرفی بسیار جذاب است؛ چون بهترین دوران برای آغاز هر کار هنری است و می‌تواند در آینده آنها تأثیر بسزایی داشته باشد». منصور ضابطیان نیز که سال‌ها سابقه تدریس گویندگی دارد، مانند نصیریور معتقد است تجربه تدریس در مدرسه تابستانی تجربه جدید و جالب توجهی برایش بوده است. او که سابقه اجرا در برنامه‌های مختلف صداوسیما را دارد، ادامه می‌دهد: «در دوره‌های آموزش گویندگی شما با افرادی که سر کلاس نشسته‌اند، تعامل رودرو دارید و این برای اولین‌بار بود که من به این صورت تدریس می‌کردم.»

در مدرسه تابستانی قرار است ویدئوهای آموزشی شامل بازیگری تئاتر، انیمیشن، گویندگی و اجرا، موسیقی، طنز، داستان‌نویسی، قرآن و فیلم‌سازی در اختیار مخاطبان قرار گیرد که در مجموع حدود ۶۰ جلسه ویدئوی آموزشی در نظر گرفته شده است که در پنج هفته منتشر خواهد شد. مدرسه تابستانی از امروز، هفتم تیر، آغاز خواهد شد و در هفته اول از روز شنبه تا چهارشنبه در ساعت ۱۰صبح کارگاه نمایش از سوی مهتاب نصیریور و محمد رحمانیان و از ساعت ۱۶ دوره گویندگی و اجرا از سوی منصور ضابطیان تدریس خواهد شد.

علاقه‌مندان برای حضور در مدرسه تابستانی و تماشای دوره‌ها کافی است به وب‌سایت مدرسه تابستانی به نشانی www.tabestani.ir یا صفحات مدرسه تابستانی در اینستاگرام، تلگرام و آپارات با شناسه tabestani۹۹ مراجعه کنند.

زیر آسمان فیروزه‌ای

اجرای گویندگی آنلاین مهتاب نصیریور و منصور ضابطیان



● **گروه هنر**: در برنامه هفته اول طرح مدرسه تابستانی که از روز گذشته آغاز شد، بازیگری تئاتر با مهتاب نصیریور و گویندگی و اجرا از سوی منصور ضابطیان به صورت آنلاین و رایگان تدریس می‌شود.

در این طرح که به مدت پنج هفته ادامه دارد، دوره‌های آموزشی فرهنگی و هنری مختلفی پیش‌بینی شده است. استادان بنام هر حوزه در پنج جلسه مفاهیم پایه‌ای هر حوزه را در قالب ویدئوهای آموزشی برای گروه سنی نوجوان تدریس می‌کنند.

منصور ضابطیان درباره تأثیر آموزش‌های آنلاین بر مخاطبان نوجوان می‌گوید: «این دوره‌ها می‌تواند راهی پیش‌پای نوجوانان بگذارد تا علاقه خود را بشناسند و محک بزنند نوجوان تدریس می‌کنند. منصور ضابطیان درباره تأثیر آموزش‌های آنلاین بر مخاطبان نوجوان می‌گوید: «این دوره‌ها می‌تواند راهی پیش‌پای نوجوانان بگذارد تا علاقه خود را بشناسند و محک بزنند نوجوان تدریس می‌کنند. منصور ضابطیان درباره تأثیر آموزش‌های آنلاین بر مخاطبان نوجوان می‌گوید: «این دوره‌ها می‌تواند راهی پیش‌پای نوجوانان بگذارد تا علاقه خود را بشناسند و محک بزنند نوجوان تدریس می‌کنند.

استادان بنام هر حوزه مورد علاقه خود روبه‌رو شوند. ضابطیان مزیت برگزاری این دوره‌ها را آنلاین و همچنین رایگان‌بودن آن عنوان و اضافه می‌کند: «برای من بسیار خوشحال‌کننده است که نوجوانی در یک روستای محروم و دورافتاده که امکان تجربه حضوری چنین دوره‌هایی را ندارد، از این طریق می‌تواند به چنین آموزش‌هایی دست پیدا کند و غایت آرزوی من این است که سال‌ها بعد یک نفر بگوید تجربه تماشای دوره شما در مدرسه تابستانی سال ۱۳۹۹ باعث شد مسیر زندگی من تغییر کند.

مهتاب نصیریور که مدرس کارگاه نمایش است، درباره تجربه خود می‌گوید: «تجربه جالبی بود. برخلاف آنچه بنده در کارگاه‌های بازیگری خود برای هنرجویان می‌گویم و تجربه تدریس در مدرسه تابستانی، چون جلوی دوربین قرار گرفته بودم و مباحث به صورت منقطع ضبط می‌شد، شبیه یک تجربه سینمایی بود.»

به گفته این‌س مدرس بازیگری، هنرهای نمایشی جزء هنرهای جمعی است و برخلاف هنرهایی مانند قصه‌نویسی یا نوازندگی چندان نمی‌شود به صورت آنلاین آموخت؛ چون باید شما در کارگاه و در تعامل با دیگر هنرجویان و استاد تمرین کنید؛ اما هدف ما از این دوره آشنایی نوجوانان با اصول پایه‌ای بازیگری نمایش است.

نصیریور درباره تجربه تدریس برای گروه سنی نوجوان هم می‌گوید: «کار با آنها بسیار سخت است؛ چون در ابتدای راه هستند و درباره مسائل حساس و شکننده و نحوه تدریس به آنها درمقایسه با بزرگسالان کاملاً متفاوت است؛ اما از طرفی بسیار جذاب است؛ چون بهترین دوران برای آغاز هر کار هنری است و می‌تواند در آینده آنها تأثیر بسزایی داشته باشد». منصور ضابطیان نیز که سال‌ها سابقه تدریس گویندگی دارد، مانند نصیریور معتقد است تجربه تدریس در مدرسه تابستانی تجربه جدید و جالب توجهی برایش بوده است. او که سابقه اجرا در برنامه‌های مختلف صداوسیما را دارد، ادامه می‌دهد: «در دوره‌های آموزش گویندگی شما با افرادی که سر کلاس نشسته‌اند، تعامل رودرو دارید و این برای اولین‌بار بود که من به این صورت تدریس می‌کردم.»

در مدرسه تابستانی قرار است ویدئوهای آموزشی شامل بازیگری تئاتر، انیمیشن، گویندگی و اجرا، موسیقی، طنز، داستان‌نویسی، قرآن و فیلم‌سازی در اختیار مخاطبان قرار گیرد که در مجموع حدود ۶۰ جلسه ویدئوی آموزشی در نظر گرفته شده است که در پنج هفته منتشر خواهد شد. مدرسه تابستانی از امروز، هفتم تیر، آغاز خواهد شد و در هفته اول از روز شنبه تا چهارشنبه در ساعت ۱۰صبح کارگاه نمایش از سوی مهتاب نصیریور و محمد رحمانیان و از ساعت ۱۶ دوره گویندگی و اجرا از سوی منصور ضابطیان تدریس خواهد شد.

علاقه‌مندان برای حضور در مدرسه تابستانی و تماشای دوره‌ها کافی است به وب‌سایت مدرسه تابستانی به نشانی www.tabestani.ir یا صفحات مدرسه تابستانی در اینستاگرام، تلگرام و آپارات با شناسه tabestani۹۹ مراجعه کنند.